

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

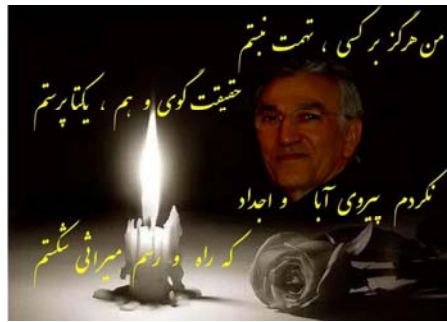
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

۰۱ جولای ۲۰۱۸



وفای عهد و پیمان

خدا بر عهد و پیمانش وفا کرد
ولاکن بنده ها، گنگ و کر و کور
مُلا، کاسب شد و با چال و نیرنگ
مُلا، استادِ ماهر شد به ابلیس
ز اعرابِ چتلخور و ز انگلیس
حقایق را به زیر ریش، پنهان
دیانت را گد و ود، با سیاست
امانت را، خیانت کرد و آخر
به ضدِ عقل و منطق رهنمون شد
به تعبیر و به تفسیرِ دروغین
در تحقیق، بر روی همه بست
همه، بر ارثِ آبا شد دلننگان
تحرّی بر حقیقت می نکرده
مگو تقصیرِ یزدان، یا پیمبر
خدا ستار و غفار است و رحمان
خرمداننه تا، با عقل و منطق

روان، آیاتِ بیحد سوی ما کرد
که هر یک اقتدا، پشتِ ملا کرد
به مردم خویشتن را رهنما کرد
بالاخر پای شیطان در هوا کرد
عجب، دالخورِ پاکستان، بنا کرد
شرارت را همی مشکلکشا کرد
به غارت هر دو را، فرمانروا کرد
أصالت، با رذالت جابجا کرد
جهالت، ابتداء را، انتها کرد
همه آیاتِ حق را زیر پا کرد
به دست و پای باورها حنا کرد
کسی نه جست و جو، راه خدا کرد
به تقلیدِ نیاکان دست و پا کرد
که ما را غرقِ امواجِ بلا کرد
به انسان دانش و بینش عطا کرد
حقایق را، یکایک برملا کرد

کلیدِ جمله خوشبختیِ عالم
 بشارت بود، بر من یظهرالله
 مبارک باشد! بر اهلِ عالم
 صد و شصت سال و اندی شد که ایزد
 هزار و صد هزاران آیه نازل
 "تعالیم دوازده گانه"، نازل
 تساویِ حقوقِ مرد و زن را
 ز کشور ها چنان برداشت سرحد
 مزین کرد انسان را، دانش
 شدی گر دردی دامنگیرِ عالم
 که با تدبیر آن عصر و زمانه
 ولاکن، کاسبانِ دین و مذهب
 بیا، ای هموطن! با عقل و منطق
 بیا بشکن همه بتهای تقلید
 گریز باید از شیخ و ز آخوند
 ملا، با امرِ انگلیس و عربها
 ولاکن فرقِ خاتم را، ز خاتم
 ز قولِ مولوی دارم حکایت
 ملا، وقتِ وضو کردن، به مسجد
 به استنجا، ز استنشاق، وردی
 که بوی خوش رسان ما را زجنت
 به قولِ طنز، مولانای بلخی
 بخوان یک بارِ دیگر نقدِ "نعمت"

نصیب و قسمتِ ما بنده ها کرد
 بالاخر از رخس خرقِ غطا کرد
 که جشنِ زاد روزش را بپا کرد
 دوايِ دردِ ما، امرِ بها کرد
 رواجِ وحدت و صلح و صفا کرد
 در جنت به روی ما گشا کرد
 ز اساساتِ آئین بها کرد
 جهان را یک وطن، پراز صفا کرد
 به نورِ علم، ما را، خود کفا کرد
 طبیبانی روانه، با دوا کرد
 بلایا، دامن ما را رها کرد
 تجارت از دیانت را روا کرد
 جهان را چون بهشتِ کبریا کرد
 که عرشی بر خدا از دل بنا کرد
 به دانش بابِ چشم و گوش، واکرد
 ز حق منکر، به خاتم اکتفا کرد
 ندانسته روا را، ناروا کرد
 رقم در مثنوی، بشنوچه ها کرد
 که گم، بیچاره، سوراخ دعا کرد
 به درگاهِ خداوند، التجا کرد
 خُمارم هر صباح و هر مسا کرد
 که وردِ بینی، بر اُون جا ادا کرد
 حقایق را چگونه بر ملا کرد

نوت :

از قسمت دوم دفتر چارم مثنوی معنوی

ملا به وقت استنجا (اللهم ارحنی رایحة الجنة)، و به جای (اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المطهرین)
 که وردِ استنجاست و ورد استنجا را در وقت استنشاق میگفت

حضرت مولانا چنین فرمود:

آن یکی در وقت استنجا بگفت که مرا با بوی جنت دار جفت
گفت شخصی خوب ورد آورده ای لیک سوراخ دعا گم کرده ای
این دعا که ورد بینی بود چون ورد بینی را تو آوردی به کون

وفاسر عهد و پیمان (۱)

خدا بر عهد و پیمانش وفا کرد رولان، آیاتِ بی حد سوسر ما کرد
 و لاکن بنده با، گنگ و، کر و، کور که هر یک وقت دل، پشت ملا کرد
 مُلا، کاسب شد و، با چال و نیرنگ به مردم خویشتن رو رهنما کرد
 مُلا، اوستادِ ماهر شد به ابلیس بلد خسر پارس شیطان در، هول کرد
 ز اعرابِ چلخور و، ز لنگلیس عجب دلخوَرِ پاکستان بنا کرد
 حتایق رو به زیر ریش، پنهان شرارت رو، هسی مثل کشا کرد
 دیانت رو که و ود، با سیاست به غارت هسر دو رو، فرمانروا کرد
 امانت را، خیانت کرد و، آخسر اوصالت، با رذولت جابجا کرد
 به ضد عقل و منطق، رهنمون شد جهالت، اوستاد رو، اوتها کرد
 به تعبیر و به تفسیر دو غنین همه آیات حق رو، زیر پا کرد
 در حقیق، بر روس همه بست به دست و پا رس ماور ما حنا کرد
 همه بر لوث آباشد دلنگان کسی نه جت و جو، روه خدا کرد
 تحریر بر حقیقت، می نکرده به تقلید نیاکان دست و پا کرد
 گو تفسیر یزدلان، یا پیامبر که ما رو، غرق و مولج بلا کرد

(۲)

خدا ستار و غفار است و رحمان
خردمند لونه تا با عقل و منطق
کلید جمله خوشبختی عالم
بشارت بود، بر من یطهر لونه
مبارک باشد بر رهس عالم
صد و شصت سال ولند شد که لیزد
هنرور و، صد هنرور لونه لونه نازل
(تعالیم دولزده گانه)، نازل
تا و حق مرد و زن رو
ز کشور ما چنان برداشت سرحد
مزین کرد انسان رو، به دلنش
شدر گر ددر دولنگیر عالم
که با تدبیر آن عصر و زمانه
ولاکن کاسبان دین و مذهب
بیا لونه هموطن با عقل و منطق

به انسان دلنش و پیش عطا کرد
حتایق رو، یکایک بر ملا کرد
نصیب و قسمت ما بنده ما کرد
بالاخر لونه زرخش، خرق غطا کرد
که جشن زلاد روزش رو پا کرد
دولر درد ما، لونه بهما کرد
رولج وحدت و صلح و صفنا کرد
در جنت به رور ما، گشا کرد
ز لاسات آیین بهما کرد
جهان رو یک وطن، پروز صفا کرد
به نور علم، ما رو، خود کفنا کرد
طیببانی رولونه، با دولر کرد
بلا یا، دلون ما رو، رها کرد
تجارت از دیانت رو، رولا کرد
جهان رو چون بهشت کبریا کرد

(۳)

بیا بشکن همه پتھار تقلید که عرشی بر خدو از دل بنا کرد
گریز و بید از شیخ و ، ز آخوند به دلش باب چشم و گوش ، و لاکرد
ملا ، با لور و نکلیس و عربها ز حق منکر ، به خاتم و کتفا کرد
ولاکن فرق خاتم رو ، ز خاتم ندانسته ، روو رو ، نارو لاکرد
ز قول مولور ، دلام حکایت رقم در مشنور ، بشنو چه ها کرد
ملا ، وقت وضو کردن ، به مسجد که کم ، چاره ، سورخ دعا کرد
به استجاء ، ز استتاق و ردر به درگاه خدو بند ، و تجا کرد
که بوس خوش رسان ما رو ز جنت خاتم هر صبح و هر مساکرد
به قول طنز ، مولانا ربیع که ورد بینی ، بر لون جا لاکرد
بخوان یک بار دیگر نعت « نعمت » حقایق رو چگونه بر ملا کرد

نوت : از قیمت دوم دفتر چارم شور مشور
ملا به وقت استجاء (اللهم روحنی راحمةً لجنه) رو بجای (اللهم روحنی من التوابعین و روحنی من المطهرین)
که ورد استجاء ، و ورد استجارو در وقت استتاق میگفت
حضرت مولانا چنین فرمود :

آن یکی در وقت استجاء میگفت که ملا با بوس جنت در جنت
گفت تھی خوب ورد آورده اسر یک سورخ دعا کم کرده اسر
این دعا که ورد بینی بود چون ورد بینی رو تو آورده اسر به کون